

من چی می گم؛ تو چی می گی

ماجرای قدیمی نقل قول نادقیق

چاپ شده در : روزنامه شرق

زمان انتشار : آذر ماه ۱۳۸۹

این یادداشت یکی از بخش های مختلف ستون "میکروسکوپ خصوصی من" بود که عنوان اغلب یادداشت هایم در صفحه آخر روزنامه های "شرق" و "اعتماد" بوده و هست؛ و با تمام توقیف ها و رفع توقیف های چندین باره این دو روزنامه، مانند فعالیت خود آنها، ادامه یافته است.

*

*

ظهر دیروز، لا به لای اخبار سرویس فرهنگ و هنر خبرگزاری ایسنا، خبری کوتاه از نشست بررسی فیلم «سن پترزبورگ» در دانشگاه امیرکبیر آمد که از جمله، با نقل اقوالی از بنده به عنوان تنها مهمان آن جلسه در غیاب عوامل دعوت شده و نیامده فیلم همراه بود. کسی که این خبر را با جملات انتقادی یکسویه اش بخواند، به یکی بودن سخنران آن جلسه و نویسنده نقدی که باعنوان «تزار در استلخ» در ماهنامه فیلم چاپ شد، شک می کند و به راحتی می تواند فرض را بر این بگذارد که این یک تشابه اسمی است! و گرنه چه طور ممکن است کسی شخصیت اصلی شوخی بزرگ و مرکزی فیلم را در کنار یکی از عبارات شوخی های کلامی گاه روده برکننده فیلم در تیتراژش بیاورد و بعد تا این حد فیلم را ضعیف تلقی کند؟! این جمله را که در خبر ایسنا آمده، در نظر بگیرید: «ضعف دیگر فیلم «سن پترزبورگ» شوخی های فیلم است که ربطی به مسیر اصلی فیلم ندارد و نیز از دیده بیننده عادی که بیشتر شوخی های فیلم را می بیند پایان تاریخی و روایی آن جذاب نیست و به همین علت شوخی سیاسی بزرگی که با نظام سلطنتی روسیه صورت می گیرد، بی مزه و خارج از مسیر به نظر می رسد». علاوه بر بی معنایی نسبی جمله (!) به نظر نمی رسد این را کسی گفته باشد که در تحلیلی مفصل تر، جذاب نبودن پایان هجوآمیز فیلم برای مخاطب کم دقت و کم حوصله امروزی را نتیجه ناآشنایی محض مخاطب با تاریخ روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و به شکلی کلی تر، اساساً عادت داشتن مخاطب به متلک ها و کنایه های دم

دست و دوری او از شوخی های سیاسی از این دست می داند. و مثال می زند که از مخاطبی در این حد و سطح که نام فیلم را به دلیل ناآشنایی با گذشته روسیه، «سن پدربزرگ» می خواند، نمی توان توقع داشت که ظرافت و لطف و نمک صحنه گره گشایی فیلم و یکی درآمدن کریم (محسن تنابنده) و نیکیتا فرزند تزار آخر روسیه را بفهمد و بچشد. در نتیجه، آن جاهایی که به صحنه های فلاش بک زندان یا شوخی های مربوط به غیرت و تعصب می خندد، حواس اش به کلیت مسیر قصه نیست و اصلاً به ماجرای گنج تزار و هجو هوشمندانه تصاویر مستند توجه نمی کند. بنابراین، این بحث بیش از آن که به نقد خود فیلم پردازد، نقد سلیقه مخاطب و سطح نگرش او به شمار می رود و درست یا غلط، به عنوان تنها نوع نگاهی که من به فیلم «سن پترزبورگ» دارم و همین را بلدم، در جلسه روز شنبه هم مطرح شد. اما با نقل ناکامل و جهت گیری تشدیدشده جملاتی که در خبر آمده، کاملاً جلوه دیگری یافته است. بدیهی است که نمی خواهم جلسه کوچکی در یک گوشه این شهر و حرف هایی که بیشتر چاپ شده بودند را مهم تر از آن چه هست، جلوه بدهم. و نمی خواهم خبری ساده را به مبنای گله گذاری بدل کنم و نق بزنم. اما وقاعاً حالا به خودم حق می دهم که وقتی جایی حرف می زنم، چه در نشستی از این دست و چه مثلاً سر یک کلاس، می کوشم هرگز نوشته های حضار از آن چه گفته شده را نبینم! چون خدا می داند مثلاً جمله ای را که درباره یک نمونه مشخص گفته ام، چه طور مانند حکمی کلی و همیشگی نوشته اند.